

فرهنگ واژگان آذری

(با گزارش همانندی‌ها با واژگان دیگر گویش‌های ایرانی)

پژوهش

فیروز منصوری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه : منصوری، فیروز ۱۳۰۹ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ واژگان آذری / پژوهش فیروز منصوری؛ ویراستار: عقاب علی احمدی

مشخصات نشر : تهران: هزار کرم، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۶۷۲ ص: مصور (رنگی)، نمودار (رنگی).

فروست : زبان‌های ایرانی؛ ۳.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۰۹-۱

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا

یادداشت : ص.ع. به انگلیسی:

A Dictionary of Azary

(In Comparison with other Iranian Dialects)

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : زبان‌های ایرانی پیش از اسلام - زبان آذری

موضوع : زبان آذری -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی

موضوع : نام‌های ایرانی در زبان ترکی آذربایجانی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی

رده‌بندی کنگره : PIR ۳۲۴۲/۱۴۳ م ۸ ۱۳۹۳

رده‌بندی دیویی : ۴۹۱ ف۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۳۳۹۶۵

نقل مطالب این کتاب (جز برای معرفی و نقد کتاب)، اقتباس، چکیده‌نویسی، خواندن در رادیو و تلویزیون و اینترنت و هرگونه استفاده دیگر، بی‌اجازه کتبی از ناشر ممنوع است.

نشر هزار کرم مان: تهران، خیابان کارگر جنوبی، خیابان دانشگاه جنگ، شماره ۹

تلفن: ۶۶۹۲۳۹۴۶ - ۰۹۱۲۷۳۳۴۲۶۶

پست الکترونیک: Email: nashrhazarkerman@yahoo.com



فرهنگ واژگان آذری

(با گزارش همانندی‌ها با واژگان دیگر گویش‌های ایرانی)

پژوهش: فیروز منصوری

ویرایش: عقاب علی احمدی

طراح روی جلد: قباد شیوا

طراح نشانه نشر هزار: محمد جهانی مقدم

حروفچینی و صفحه‌آرایی: افسانه شاه‌کرمی

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کارا؛ چاپ: غزال؛ صحافی: علی

ناشر: انتشارات هزار کرم مان

ISBN : 978-600-5700-09-1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۰۹-۱

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۹	یادداشت ویراستار
۲۳	فرهنگ واژگان آذری
۵۴۵	واژگان عربی راه یافته به گویش آذری
۶۱۹	پیوست ها
۶۳۳	کتابنامه ها
۶۳۵	کتابنامه فارسی و آذری
۶۴۹	کتابنامه انگلیسی
۶۵۰	کتابنامه ترکی عثمانی
۶۵۱	کتابشناسی فیروز منصوری به فارسی
۶۵۴	گزیده ای از کتاب ها و گفتارهای مربوط به مسئله آذربایجان

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

از نخستین دهه قرن نوزدهم، دولت تزاری روسیه با دست‌اندازی به شهرهای ایرانی سرزمین قفقاز، با همکاری انگلستان توانست بخش‌های بزرگی از خاک ایران را جدا سازد و تصرف نماید. این دولت برای ایجاد سلطه بیشتر، به قصد انهدام زبان فارسی و هویت والای ایرانی در آن مرز و بوم، برای ترویج و تحمیل زبان قومی و بومی «ترکی تاتاری» طرح‌ها ریخت و سرمایه‌ها صرف کرد تا بدان وسیله و بهانه، «زبان روسی» را جانشین زبان فاخر و فرهنگ‌گستر فارسی سازد و رواج دهد.

دولت روسیه برای پیشبرد این طرح و تدابیر، مسیون‌های مذهبی آمریکایی و آلمانی را در قفقاز به استفاده درآورد و به تبلیغات گسترده پرداخت و پس از درگذشت فتحعلی‌شاه و عباس میرزا، مسیونرهای پیشگفته را با تجهیزات بیشتر به آذربایجان فرستاد تا پایان جنگ جهانی اول، فعالیت و تحریکات این مسیونرها، سلطان‌آساریشه می‌دوانید و پیش می‌رفت.

در سال ۱۹۱۸، با سرنگونی امپراتوری تزار، نستوریان مسیحی و سرسپردگان مسیونرها و تشکیل‌دهندگان نیروی نظامی در آذربایجان از هم پاشیدند و به بغداد گریختند.

با پایان‌گرفتن جنگ جهانی اول، دیگر از دولت سوسیالیستی شوروی به جوش آمد و به خیال تجزیه آذربایجان و الحاق آن به سرزمین‌های قفقاز افتاد. این اقدام دولت روسیه برای تجزیه سیاسی آذربایجان بر بستر تجزیه فرهنگی آن آغاز شد که از سده پیش با کوشش کاوشناسان سیاسی و فرهنگی روس و با اجرای «برنامه فارسی‌زدایی» از آذربایجان فراهم شده بود و عوامل روسیه در ایران و مسیون‌های مذهبی آمریکایی، انگلیسی و آلمانی آن را پیش می‌بردند. در سال‌های پیش در کتاب مطالعاتی درباره تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان^(۱) به گسترده‌گی در باره چگونگی این برنامه و اجرای آن برای تغییر زبان آذربایجان از فارسی به ترکی، سخن گفته‌ام و اسناد آن را به دست داده‌ام. در

۱. منصوری، فیروز، مطالعاتی درباره تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان، تهران، نشر هزار کرمان، (چاپ سوم)، ۱۳۹۰، فصل‌های نوزدهم تا سی و یکم.

این برنامه دولت روسیه می‌کوشید همه نشانه‌های «یکسانی فرهنگی» ایرانیان آذربایجانی با دیگر تیره‌های ایرانی را نابود کند و با گسترش زبان ترکی، هویت ایرانی این استان را از میان بردارد. بررسی این نقش و ارائه اسناد برنامه روسی «فارسی‌زدایی در آذربایجان» و نقش تجزیه طلبان پان‌تورکیست در آن، خود موضوع رساله‌ای جداگانه است و در این مختصر نمی‌گنجد.

نظر به اینکه، در دعاوی پان‌تورکیست‌ها هیچگونه اشاره‌ای به نژاد و نهاد ترکی آذربایجانی‌ها نشده است، از اشتراکات قومی و آثار و آداب و رسوم ترکان و مهاجرت آنان، و سایر امور و اسباب سخنی در میان نیامده و ارائه دلیل و مدرک نشده است، بلکه تنها زبان مادری (آنادیلی) امروزی را مدرک انتساب آذربایجانی‌ها به زبان و نژاد ترکی قرار داده و تبلیغات وسیع به راه انداخته‌اند، نگارنده در نقد آن آراء و عقاید بر خود فرض دانست مسئله زبان آذربایجان را در این کتاب موضوع بررسی قرار دهد.

بررسی متن‌های زبان‌شناسی و تاریخ فرهنگ‌ها نشان می‌دهد، زبان هیچ کشور و ملتی را به خاطر کاربرد لغات فارسی و عربی، حتی به میزان ۹۰ درصد در محاوره و ادبیات آنان، تاکنون «زبان فارسی» نام نداده‌اند. پس چگونه می‌شود که کسانی ۱۰ درصد لغات ترکی مخلوط در گویش آذری را بهانه قرار داده، زبان مادری آذربایجانی‌ها را «ترکی» می‌نامند؟

تا نیمه قرن نوزدهم، زبان ترکی عثمانی در غرب و زبان جغتائی در شرق خاورمیانه، از زبان و فرهنگ ایرانی برخوردار داشتند. پس چرا و چگونه، زبان وارداتی «ترکی تاتاری» در گفت و شنودهای مردم آذربایجان جای پای برای خود باز کرد، آن هم با ده درصد سهام در کلام؟! آنگاه که در اولین سال‌های قرن نوزدهم، امپراتوری نیمه شرقی و توسعه نیافته تزاری که اصولاً از یک عنصر نیرومند تاتاری - سنت برجای مانده از پیوند خان‌نشین مسکوی با اردوی زرین - برخوردار بود، روس‌ها و تاتارهای دشت‌نشین را وارد گرجستان کرد و شهرهای تفلیس و گنجه را در قفقاز اشغال نمود، با جهان تازه و متمدن دیگری روبرو شد: شهرها را آباد و مردمانش را فرهیخته و آزاد، معارف اسلامی و ایرانی، هنر معماری، رونق تجاری و دیگر آثار رفاهی و فرهنگی را آشکار و عیان دید و به خوبی دریافت که با نیروی تاتارهای تاراجگر بر این ملت متمدن و با فرهنگ نمی‌توان فرمانروایی کرد؛ بلکه لازمه ایجاد سلطه در این سرزمین، نابودی فرهنگ و آداب دیرین ایرانی و هماهنگ کردن مردمان آن با رسوم و اساطیر تاتاری است.

بدین مناسبت، هیئت‌های علمی و پژوهشی را از اروپا، به ویژه از آلمان، به قفقاز دعوت کردند و مأموریت‌های ویژه‌ای برای بررسی‌های اجتماعی و فرهنگی و جغرافیایی قفقاز به آنها دادند. نگارنده در کتاب مطالعاتی درباره تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان^(۱) به شرح این مأموریت‌ها پرداخته‌ام. پس از درگذشت عباس میرزا، روس‌ها مأموریت‌های آمریکایی مزدوری را که به استخدام خود درآورده بودند، از قفقاز به آذربایجان فرستادند. تبلیغات وسیع دینی این مأموریت‌ها در میان مسیحیان ارومیه و تبریز و خدمات فرهنگی و درمانی آنان در شهرها و دهات به وسیله زبان ترکی انجام می‌شد.

عامل دوم در گسترش زبان ترکی وارداتی در آذربایجان، مهاجرت دو ایل ایران‌دوست شاهسون و شقاقی از آناتولی به ایران بود. در زمان شاه عباس دو طایفه ترکی زبان شاهسون و شقاقی از آناتولی

به ایران مهاجرت کردند و در دشت مغان و حومه سراب خانه گزیدند. در آغاز دوران قاجار گروه‌هایی از این دو ایل به حومه شهرهای میانه و زنجان نقل مکان کرده و سکونت یافتند. و سومین و در حقیقت، بزرگترین عامل گسترش زبان ترکی در آذربایجان، مهاجرت پیوسته و ۲۵ ساله صدها هزار نفر از مردم آذربایجان به قفقاز بوده است که شرح کامل آن در این کتاب ذیل واژه «بیایاتی» آمده است.^(۱)

اما نکته جالب این است که با این همه سرگذشت‌ها، تا سال ۱۳۰۰ شمسی در هیچ کتاب و منبعی از زبان ترکی و آموزش آن در ایران مطلبی به قلم نیامده است.

در روند هجده ساله نهضت مشروطیت، آذربایجان پرچمدار قیام یکی از مهمترین کانون‌های آزادیخواهی و مدافع حقوق حقه تیره‌های ایرانی بوده است. در این دوره مردم پیشنهادهای خود را در انجمن‌ها مطرح می‌کردند؛ اما حتی یک بار هم در میان خواست‌های آنها، از زبان مادری و محرومیت از تحصیل آن سخن نرفته است. در همه این دوران، اگر در مطبوعات گهگاه مطلبی به ترکی نوشته می‌شد بیشتر انتقادی یا طنز بوده و موضوع «زبان» هیچگاه مطرح نگردیده است.

پیش از آغاز مشروطیت، روزنامه اختر به مدیریت محمدطاهر تبریزی در شهر استانبول، مرکز علمی و فرهنگی ترک‌های جهان، به زبان فارسی انتشار می‌یافت. انتشار این روزنامه از ۱۶ ذی‌حجه ۱۲۹۲ تا ۱۳۰۸ ه. ق، دوام داشته است.

انجمن ایالتی تبریز، در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ ه. ق تأسیس یافت. گردانندگان و نویسندگان روزنامه انجمن، ارگان انجمن ایالتی آذربایجان، نخستین شماره این روزنامه را در اواخر رمضان ۱۳۲۴ ه. ق، انتشار داده‌اند. منصوره رفیعی، پژوهشگر تاریخ در دانشگاه تهران، مندرجات روزنامه انجمن را بررسی و تحلیل نموده، از شماره ۷ آن جریده، مقالاتی را که با عنوان «سروش غیبی» انتشار یافته بود، بررسی کرده و چنین نوشته است:

«روزنامه انجمن به تعلیم و تعلم و سازمان‌بخشیدن به آن ارج می‌نهد و نظارت مداوم افراد بصیر و خبیر را در مورد آموزش پیشنهاد می‌کند و در واقع نظر کلی انجمن را در امر آموزش و فرهنگ به شکل زیر ارائه می‌دهد:

«... مجلس معارفی از علما و فضلا و ادبا و معلمین تشکیل شود و اصلاحاتی برای تسهیل الفبا و تعلیمات ابتدایی صورت گیرد، تا اشکالات صوتی و تحریری رفع شده اطفال به جهت یاد گرفتن حروف و اعراب و اشکال ده سال در مکاتب سرگردان نشوند و در مدت یکی دو سال نوشتن و خواندن عبارات را یاد بگیرند و بتوانند فارسی را حرف بزنند...»

سپس روزنامه انجمن رشته‌های مختلف مورد نیاز را با توجه به تمایل و استعداد دانش‌آموزان نام برده و در عین حال بر بی‌نیازی از زبان خارجه تأکید نموده و می‌نویسد:

«... انجمن از تشکیل دارالترجمه در داخل کشور و استفاده از زبانهای خارجی بوسیله ایرانیان پیشنهادهاتی می‌دهد... همینکه شاگرد بعد از دو سال، عبارت خوانی و نوشتن توانست و فارسی را یاد

۱. منصوره رفیعی به استناد منابع روسی، تعداد کارگران مهاجر به قفقاز را در سال ۱۹۰۴، ۷۱۴۰۰ نفر؛ در سال ۱۹۰۵، ۶۲۰۰۰ نفر و در سال ۱۹۱۱، ۲۰۰۰۰ نفر نوشته است که ۹۰ درصد آنان از آذربایجان بودند. به نقل از: رفیعی، منصوره. انجمن. نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۲.

گرفت، به یادگرفتن هر علم و صنعتی که میل نمود و قابل شد از طب و تشریح، شیمی و فیزیک، هندسه و جغرافی و معدن‌شناسی و حساب، تجارت، نظام بری و بحری و صنایع متنوعه در زبان وطن خود مشغول تحصیل شده، بدون آنکه احتیاج به یادگرفتن السنه خارجی شود...»^(۱)

درباره بی‌توجهی مردم آذربایجان به آموزش زبان ترکی، بهترین سند را از کتاب گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، نوشته محمدامین رسول‌زاده برگزیده و برای آگاهی خوانندگان در اینجا می‌آورم:

«ممکن نیست، در این جا (ارومیه) نمی‌توانید غیر از چند مشترک حیل‌المتین روزنامه‌خوان دیگری پیدا بکنید. روزنامه‌های ترکی قفقاز نیز در این جا خریدار و خواننده ندارند. اصلاً در این جا ترکی خواندن متداول نیست اگرچه همه ترک هستند، اما ترکی نمی‌خوانند. در همه جای آذربایجان چنین است. حتی چنان بیب‌هایی وجود دارند که این حال را برای قفقاز نیز پیشنهاد می‌کنند و خیال می‌بافند که باید همه عالم اسلام زبان فارسی یاد بگیرند و بفارسی بخوانند.

در عرض پانزده روزی که در ارومیه ماندم، هرچه جستجو کردم بلکه یک نفر خریدار روزنامه ترکی پیدا کنم تا ببینم در قفقاز و عثمانی چه می‌گذرد و اوضاع عالم چگونه است، ممکن نگردید. ارومی ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ / ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۷»^(۲)

شادروان علامه محمد فروزینی هم در مقاله‌ای که درباره رساله آذری احمد کسروی نوشته‌اند، مرقوم می‌دارند:

«... مسئله تحقیق در خصوص زبان اهل آذربایجان تاکنون محل احتیاج عمومی نبوده است. بالطبع کسی تا بحال به صرافت آن نیشاده و زحمت تتبع و تفتیش در کتب را در این باب بخود راه نداده است.

دنيسون راس، در بخش معرفی کتاب مجله J.N.E.S سال ۱۹۲۶، ضمن معرفی رساله آذری، اظهار می‌دارند: «موضوع این رساله تاکنون ناشناخته مانده بود. نویسندگان ایرانی به تازگی در این باره به بحث و فحص پرداخته‌اند.»



در واقع، روس‌ها با جایگزین کردن زبان فارسی در قفقاز با زبان ترکی تاتاری و زبان‌های محلی، زمینه را برای گسترش زبان روسی فراهم کردند. در ایران هم تجزیه طلبان روس‌گرا خود می‌دانند که هیچیک از گویش‌های غیرفارسی دارای توانایی و امکانات لازم برای آموزش علم نیستند؛ اما به همان شیوه «استالین فرموده» همچنان بر طبل «آموزش به زبان مادری» در آموزشگاه‌ها می‌کوبند تا در اینجا هم، جای زبان فارسی (میراث مشترک همه ایرانیان) را به زبان‌های روسی و انگلیسی بدهند.



تا به حال کسی در زمینه زبان شایع و رایج کنونی مردم آذربایجان بررسی و تحقیق نکرده است؛ زبانی که با تبلیغ و تزویر دولت تزار بر آن نام «ترکی» نهاده شده است. وجود مقادیری واژه ترکی در

۱. رفیعی، منصوره. همان، ص ۹۶ و ۹۷.

۲. رسول زاده، محمدامین. گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه: رحیم رئیس‌نیا. تهران، نشر شیرازه.

این گویش ایرانی به واسطه همسایگی و همجواری با سه کشور ترک‌زبان ایران و ترکیه و بخشی از عراق، پدیده‌ای عادی و شناخته شده است.

زبان آذری امروزی از برترین و جامع‌ترین گویش‌های زبان فارسی است که بهترین و رساترین رابطه اجتماعی و آموزشی را با دیگر گویش‌های ایرانی برقرار کرده و غنای فرهنگی یافته است. نگارنده از ۱۵ سال پیش، واژه‌ها و اصطلاحات زبان مردم آذربایجان را گردآوری کرده، آنها را با واژگان فرهنگ‌های فارسی و گویش‌های ایرانی که تاکنون به نگارش و نشر درآمده است تطبیق نموده، کتاب فرهنگ واژگان آذری را تألیف کرده‌ام. واژه‌های گردآمده در این فرهنگ، واژه‌ها و اصطلاحاتی است که از کودک پنج ساله تا پیرمرد نودساله، زن بی سواد و روستائین، مرد دهقان و دامدار، شهروندان باسواد و بی سواد، فرهنگی و عامی، صنعتگر و برزرگر و همه گروه‌های مردم آذربایجان روزانه به کار می‌برند و ابزار ایجاد رابطه و تفاهم آنها است.

در تألیف این کتاب و برای تهیه و تنظیم واژگان آن ۳۳۰ عنوان کتاب و مقاله و لغت‌نامه دهخدا (دوره پنجاه جلدی) منبع و مأخذ تحقیق بوده است که از میان آنها ۱۳۳ عنوان فرهنگ گویش‌های ایرانی چاپ شده است که تا زمان نگارش کتاب حاضر، مورد مطالعه قرار گرفته است. لازم به ذکر است که پس از تحویل متن کتاب به ناشر، واژه‌های بسیار دیگری یافته‌ام که ان‌شاءالله، در چاپ‌های بعدی به کتاب افزوده خواهند شد.

در زمینه پژوهش در زبان امروز آذربایجان، پژوهشگران و صاحب‌نظران گرانقدر آذری چون عبدالعلی کارنگ، محمدعلی فرزانه، دکتر نادر وزین‌پور و بهزاد بهزادی کتاب‌های جامع و مفید نگاشته و انتشار داده‌اند. در مجموعه مقالات دکتر ماهیار نوایی، در مقاله «زبان کنونی آذربایجان» ۳۰۰۰ واژه فارسی و عربی مصطلح در زبان آذری فهرست شده و خوانندگان را آگاهی و معرفت بخشیده است. در کتاب فرهنگ آذربایجانی - فارسی، تألیف بهزاد بهزادی، تمام واژه‌های متشکل از ترکی، عربی، فارسی و خارجی رایج در آذربایجان به فارسی ترجمه شده و مشتقات و ترکیبات دستوری آنها به قلم آمده و وصف مشروح یافته است.

در کتابی که پیش روی دارید، نگارنده دستاورد تطبیق و سنجش ۵۰۰۰ واژه فارسی و ۲۳۰۰ واژه عربی را - که امروزه در زبان گفتار (محاوره) آذربایجانیان کاربرد دارد و رایج است - با واژگان لغت‌نامه دهخدا و واژه‌نامه‌های گویش شهرستان‌های ایران ارائه کرده، نمونه‌های مشترک را ثبت کرده‌ام تا فارسی‌بودن آنها را نشان دهم. نگارنده از تقسیم‌بندی دستوری واژگان این فرهنگ خودداری کرده است؛ زیرا هرگاه بخواهیم این واژگان را مانند فرهنگ آذربایجانی - فارسی، تألیف بهزاد بهزادی با ترکیبات و مشتقات و زمان‌ها و صورت‌های دستوری همچون گذشته، حال، آینده، ماضی بعید، لازم و متعدی و غیره مطابق قواعد دستور زبان شرح و بسط دهیم، تعداد آنها از دو برابر هم بیشتر خواهد شد.

نامواژه‌هایی که در آذربایجان برای نوزاد پسر و دختر انتخاب می‌کنند، از زیباترین کلمات فارسی تشکیل یافته‌اند که شمار آنها از صدها نمونه هم بیشتر است؛ مانند: گلناز، گلزار، گل آرا، گلچهره، گلفام، گل صنم، نگار، نازنین، نوشین، نسرين، مژگان، ژاله، منیژه، بهارناز، پرستو، پروین، پریسا، شهره، شیرین، کتابون، مرجان و صدها نام دیگر برای دختران؛ جمشید، ناهید، بابک، بردیا، فرزاد،

فیروز، فریدون، فرشید، فرامرز، فردین، فرخ، فرجاد، فرهاد، جاوید، بهرام، شهرام، پدram، پیمان، پیام و... برای پسران.

این واژه‌نامه تنها به‌خاطر اثبات این حقیقت و هدف تألیف یافته است که: «زبان مادری آذربایجانیان، «زبان ترکی» نبوده و نیست؛ بلکه زبان فارسی ناب است که تاکنون واریسی نشده و به کاوش درنیامده بود. در نبود پژوهش‌های آگاهی‌رسان، بیگانگان به تلبیس و تحریف زبان آذربایجانیان را «ترکی» نامیده و ابزار تبلیغاتی نیت‌های شوم سیاسی خود کرده‌اند.»

هم‌میهنان گرامی آذری را شایسته است که تحولات منطقه و تحریکات بیگانگان را به دقت بپایند و توجه داشته باشند که اگر تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آذربایجان از جانب شمال مورد تهدید و تجاوز بود، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، دولت جهانخواه آمریکا از سه جانب برای آذربایجان دشمن‌ها تراشیده و تلاش می‌کند که اسرائیل جدیدی را در مرزهای ایران و ترکیه و عراق برپا ساخته و وارد صحنه نماید تا به تجاوزات ارضی پردازد. به یاد داشته باشیم که دشمن در کمین و منتظر فرصت است.

نغمه‌های استالین ساخته هویت‌خواهی، زبان مادری و تجزیه‌گرایی تنها راه را برای دشمنان هموار می‌کند. بهوش باشیم که به سرافروخت و نابودی کشورهای بالکان و یوگسلاوی پیشین دچار نشویم.

«آزادگی نگر که ز گل چشم دوختیم آسان نمی‌توان ز خس آشیان گذشت»

این خادم فرهنگ و عاشق تاریخ ایران، به قدر توان، در انجام این وظیفه ملی نخستین گام را برداشته و امیدوار است که در آینده ایران‌دوستان فرهیخته و دانشمندان گرانمایه در تکمیل این مجموعه مساعی جمیل می‌دول فرموده و هرگونه نقض و ایراد آن را یادآوری نمایند و با نقد و بررسی عالمانه، نگارنده را قرین افتخار و امتنان فرمایند.

عریضم را با گلچینی از چکامه استاد حسین مسرور به پایان می‌رسانم:

«بر ساحل رود ارس، گر بگذری ای پیک جان

دریاب و مشکین کن نفس از خاک آذربایجان

آن پاک‌فرزند هنر، پرخاشجو پیروزگر

تیغ بلاها را سپر، تیر ستم‌ها را نشان

قیصر ز تو خورده قفا، رومی به چنگت مبتلا

مقهور یاران صفا، عثمانی بی‌خانمان

خان ختا، شیخ عرب، از تو گریزان خشک لب

این در بلا آن در تعب، آن ورشکست این در امان

درهم‌گستی دامشان، پر زهر کردی جامشان

بر یخ نوشتی نامشان، ای آذرآباد جوان

تا برق تیغ آهیخته، بدخواه تو بگریخته
با خون خصم آمیخته، آب ارس خاک مغان
تیغ شرارانگیز تو، آذرگشسب و شیز تو
نویاوه تبریز تو، ستار آزادی‌ستان
در باغ سبز خوش‌نما، بنهفته تزویر و ریا
برگش زبان اژدها، بارش بلای ناگهان
تخم نفاق و دشمنی، افشانده بدخواه دنی
وز پنجه اهریمنی، برداشت وحدت از میان
از دشمنان شوم تو، پرفتنه مرز و بوم تو
وز پیکر مظلوم تو، خون وطنخواهی جهان
ای رادمردان گزین، هم‌میهنان راستین
هم در خطرها پیش‌بین، هم در هنرها پیش‌دان
خیزید بر بسته کمر، بر منت جد و پدر
باشید در دفع خطر، هم‌کوشش و همدستان»

فیروز منصوری

تهران - ۲۴ مردادماه ۱۳۹۳